

تأثیر فضاهای بی دفاع و گمشده بر ادراک شهروندان از محیط شهری

مورد مطالعه: محله چهارصد دستگاه تهران

احسان احمدی*

استادیار، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران

ehsanahmadi@ut.ac.ir

نوید حداد

دانش آموخته کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشگاه تهران

navid.haddad@ut.ac.ir

چکیده

فضاهای بی دفاع و گمشده عمدتاً از پسماندهای طرح‌های توسعه شهری ایجاد شده و مسائل و مشکلات متعددی پیرامون آن‌ها ایجاد می‌شود. موضوع کمبود نظارت و تردد در فضاهای شهری، آن‌ها را به فضاهایی بی دفاع تبدیل می‌کند. همچنین گاه علی‌رغم نظارت بر فضا بحث عدم توجه در فضاهای گمشده وجود دارد. در این تحقیق با بررسی مفاهیم، نظریات و نقدهای مرتبط با فضاهای بی دفاع و گمشده، نقش و تاثیر این گونه فضاها در ایجاد حس عدم مطلوبیت، ترس و ناامنی مطالعه شد. در این میان ارتباط ماهوی فضاهای بی دفاع و گمشده نیز مد نظر قرار گرفت. سپس ادراک شهروندان و دغدغه‌های محیطی آنان نسبت به این گونه فضاها در محله چهارصد دستگاه تهران با رویکردی کیفی و از طریق مصاحبه بررسی شد و نتایج حاصل از آن با آنچه که از مبانی و مفاهیم نظری انتظار می‌رفت مورد قیاس و تحلیل قرار گرفت. بر این اساس جنبه عدم مطلوبیت محیطی فضاهای گمشده در محدوده این محله نسبت به حس ناامنی آن‌ها در نگاه شهروندان اهمیت بیشتری داشت. سوال و هدفی که در این تحقیق مطرح می‌شود این است که عبور بزرگراه امام علی (ع) از محله چهارصد دستگاه چه تاثیری در ادراک ساکنین/شهروندان از کیفیت محیط شهری و امنیت آن داشته است؟

کلمات کلیدی: فضای بی دفاع _ فضای گمشده _ محله چهارصد دستگاه _ امنیت روانی _ عدم مطلوبیت محیطی

۱. مقدمه

شهرهای مدرن و بزرگ معمولاً دارای مقادیر قابل توجهی از زمین‌های و بدون استفاده در هسته مرکز شهر هستند که این مقدار در برخی شهرها به چند صد هکتار می‌رسد. در دهه ۵۰ و ۶۰ میلادی، به دلیل تمایل به حومه‌نشینی (حاشیه نشینی) و در نتیجه کشیده شدن مردم و صنایع به حومه (حاشیه) شهر، زمین‌های قابل زیست مرکز شهر به زمین‌های متروکه تبدیل شدند. بعد از چند سال، تغییرات اساسی الگوی اقتصادی، صنعتی و شغلی، مشکلات "فضاهای گمشده" را در هسته شهر تشدید کرد. این مسئله به شدت در امتداد (راسته) بزرگراه‌ها، خطوط راه‌آهن و در امتداد آبراه‌ها، جایی که فضاهای خالی پیوستگی فرم شهر را از بین می‌برند، دیده می‌شود (کارمونا و تیزدل، ۲۰۰۷، ۴۷).

وقتی رابطه میان فضاهای پر و خالی کامل و قابل ادراک باشد، در این صورت شبکه فضایی شهری به خوبی می تواند کار کند و اجزای متشکله هر یک در چارچوب مشخص و معین، جایگاه خود را می یابد. اما اگر رابطه بین فضاهای پر و خالی ضعیف باشد، اجزای متشکله ناپیوسته و نتیجه همان شکل گیری "فضای گمشده" است. عبور بزرگراه امام علی (ع) از وسط بافت محله چهارصد دستگانه، برش های فضایی ایجاد کرده است که باعث پیدایش فضاهای گمشده گردیده است. علیرغم مزایای متعدد شبکه معابر بزرگراهی، احداث این معابر به لحاظ قطع ارتباط کاربری های طرفین و ایجاد گسستگی در سازمان فضایی موجود (در مقیاس محله، ناحیه و حتی منطقه) عملاً موجب بروز مشکلاتی برای شهروندان می گردد (حداد، ۱۳۹۷، ۱).

۲. پیشینه تحقیق

مطالعه در زمینه ی ارتباط محیط و خشونت به اوایل قرن نوزدهم بر می گردد که بیشتر ارایه ی الگوهای منطقه ای از جرایم و مقایسه ی مناطق شهری و روستایی و پیمایش در زمینه ی ارتباط جرایم با دیگر ویژگی های اجتماعی و اقتصادی مد نظر بود که ابتدا در بلژیک توسط کتله (۱۸۴۲) و سپس توسط گوری (۱۸۸۳) در فرانسه و صورت گرفت. سپس در رشته های مختلف مطالعاتی بسط یافت. اما در ادامه این گسترش به خصوص توجه به نقش فضاهای جرم خیز یا بی دفاع در وقوع خشونت یا جرایم در کارهای جرم شناسان محیطی، طراحان شهری، جامعه شناسان، روان شناسان و به خصوص روان شناسان محیطی و دیگر رشته های مطالعاتی مرتبط با جرایم و خشونت با دو رویکرد متفاوت دنبال شد که هر رویکرد در مطالعه ی رابطه ی فضاها یا محیط با جرایم بر نظریات خود پافشاری می کردند. رویکرد اول که تاکید بیشتری بر محیط فیزیکی داشت، بیشتر از سوی شهرسازان و معماران مطرح شد. جیکوبز (۱۹۶۱)، جفری (۱۹۷۱) و نیومن (۱۹۷۲) در مطالعات خود درباره ی خشونت و محیط فیزیکی با تاکید بر طراحی فیزیکی، تاکید کردند که فضاهای شهری حاصل معانی و نمادهای خاص خود هستند و از این طریق می توانند تاثیر عمیقی بر تفسیر افراد از موقعیت های خود و واکنش نسبت به موقعیت های قرارگیری داشته باشند.

اما رویکرد دوم محیط اجتماعی و ویژگی های اجتماعی فضاها را با اهمیت می داند که از سوی جامعه شناسان و روان شناسان مطرح شد و به طور گسترده ای در آمریکا و در کارهای مکتب شیکاگو توسعه یافت. توضیح مدل بوم شناختی و روش شناختی جرایم شهری به وسیله ی مکتب شیکاگو در بین دهه های ۲۰ و ۶۰ قرن بیست گسترش یافت. تئوری منطقه ای رشد و گسترش شهر به وسیله ی رابرت پارک و ارنست برگس آن ها را قادر به ترسیم دقیق مرزهای جرایم در نقشه شان و توضیح علت تمرکز جرایم در منطقه انتقالی کرد. گلیفورد شاو و هنری مک کی با استفاده از این چارچوب مفهومی به مطالعه ی رابطه ی بین انحرافات جوانان، اعضای دسته های جنایتکار و بی سازمانی اجتماعی شهری پرداختند. جامعه شناسان مکتب شیکاگو به مطالعه ی رابطه ی بین ساخت فیزیکی شهر با نظام اخلاقی آن پرداختند. به همین جهت، از سال ۱۹۲۵ تا ۱۹۴۰ پیروان مکتب شیکاگو با هدف درک تاثیر عوامل اجتماعی و بوم شناختی بر بی سازمانی و رفتارهای خشونت و انحرافی، رابطه ی نرخ های جرم و بزهکاری، نظیر: خودکشی، طلاق، فحشا، الکلیسم، اعتیاد و دیگر انواع خشونت ها را با فضای درون شهری مطالعه نمودند (احمدی، ۱۳۷۷، ۵۷).

با وجود این، هر دو دسته هم عقیده اند که فضاهای گمشده و بی دفاع معلول اتفاقاتی هستند که در شهر رخ می دهد، زیرا به علت بزرگ شدن یا بزرگ بودن شهر و کم رنگ شدن و عدم کنترل مناسب فیزیکی و اجتماعی، فضاهایی به وجود می آیند که

فعالیت‌های غیر مجاز و متعارض با هنجارهای جامعه در آن نقاط صورت می‌گیرد که آثار نامطلوبی بر پیکر جامعه می‌گذارد و به حادث شدن انواع خشونت‌ها منجر می‌گردد.

امروزه خشونت و ترس ناشی از آن به عنوان یک نگرانی فراگیر در تمام جوامع مطرح شده است. نفوذ خشونت در زندگی روزمره در بسیاری از کشورها و شهرها به یک واقعیت تبدیل شده است؛ چنانکه با عناوین خشونت بومی و رایج در فضاهای شهری رهاشده، گمشده و بی‌دفاع توصیف می‌شود (وینتون، ۲۰۰۴، ۱۶۶).

مکان (شهری) نقش بسیار مهم و انکارناشدنی در وقوع یا پیشگیری از وقوع جرایم ایفا می‌کند. مجرمان، بیشتر مناطقی را برای ارتکاب جرم برمی‌گزینند، که وقوع جرم در آن‌ها راحت‌تر بوده و امکان مشاهده و دستگیری آنان در آن مناطق کمتر باشد (عبادی نژاد و باهوش، ۲۰۱۲، ۱۰۵). از این رو می‌توان با تغییر شرایط جرم‌زای محیطی و فیزیکی و ایجاد یا تقویت فضاهای قابل دفاع و مقاوم در برابر جرم و مجرمان به میزان قابل توجهی از وقوع جرایم و ناهنجاری‌های موجود در شهرها کاست (رحمت، ۲۰۱۱، ۱۴). فضاهای بی‌دفاع شهری از حیث آثار عدیده‌ای که بر حیات شهری به ویژه از جهت تأثیری که در ایجاد ترس از جرم و ناامنی در شهر دارند از اهمیت پژوهشی بالایی در مطالعات شهری برخوردارند و انجام تحقیقات مروری نظام‌اند در این زمینه بینش‌های نوینی را پیش روی ما قرار می‌دهد (یوسفی و جوهری، ۲۰۱۵، ۱۲۹).

در چنین شرایطی، سیاست دستگاه‌های مبارزه با خشونت که اغلب به طور مستقیم بر مجرم تمرکز دارند، چندان موفقیت‌آمیز نبوده و این امر موجب توجه به ابعاد تأثیرگذار بر وقوع خشونت و عوامل زمینه‌ساز شده است. از جمله عوامل تأثیرگذار که در دهه‌های اخیر مورد توجه شهرسازان، جامعه‌شناسان و روانشناسان محیطی قرار گرفته است، فضاهای شهری و بالطبع فضاهای بی‌دفاع و گمشده هستند. این‌گونه می‌توان گفت که هر فضای شهری، واجد مقدار معینی از خشونت است که این مقادیر در سطح شهر به طور تصادفی توزیع نشده‌اند؛ چرا که فضاهایی تحت عنوان بی‌دفاع، گمشده یا رها شده محل وقوع انواع و اقسام خشونت‌ها هستند، در حالی که در محل‌های دیگر هیچ‌گونه خشونت رخ می‌دهد (وایت و سوتون، ۱۹۹۵، ۸۵).

در سال‌های اخیر این نظریه که فضاها بر رفتار شهروندان تأثیر می‌گذارند و می‌توانند برای تنظیم رفتار آنان به کار گرفته شوند، به نظریه‌ای پذیرفته بدل گشته است. بنابراین می‌توان از طریق برنامه‌ریزی و طراحی شهری و از راه ترکیب طرح‌ها با نوعی ساختار انتظام‌دهنده، مراتب ارتقای اخلاقی و اجتماعی افراد جامعه و تامین امنیت برای شهروندان در فضاهای (عمومی) شهری را فراهم ساخت.

فضای شهری به باور اندیشمندان معماری و شهرسازی فراتر از مولفه‌های هندسی و کالبدی است. فضای شهری در تعریفی عام شامل فضای زندگی شهروندانی است که آگاهانه یا ناآگاهانه برای مقاصد مختلف طی می‌شود. خیابان‌ها، بلوارها، میدان‌ها، پارک‌ها، معابر، نماهای ساختمانی و جز آن را می‌توان فضای شهری نامید (گولیچ و آماری، ۲۰۱۳، ۱۱۲).

3. فضای بی‌دفاع

فضای بی‌دفاع شهری، مکانی میان حوزه خصوصی و حکومتی است که در آن عنصر نظارتی وجود ندارد و تعلق خاطر نیز به آن‌ها شکل نمی‌گیرد. این فضا پتانسیل رخداد آسیب‌های اجتماعی و فعالیت‌های خارج از عرف و هنجارشکن از ریختن زباله تا استفاده از مواد مخدر، سرقت، تجاوز به عنف و ... را ایجاد کند (نیومن، ۱۹۹۶، ۱۲۲).

۱-۳. خصوصیات فضاهای بی دفاع

ضعف نظارت و تعلق خاطر به فضاهای بی دفاع از مهم ترین ویژگی های اجتماعی این فضاهاست. نباید فراموش کرد که وجود حتی یک مغازه کوچک در یک کوچه یا معبر نیز می تواند عاملی در کاهش جسارت برای بسیاری از تخلفات باشد. عدم رویت پذیری، محاط بودن و نبود فرصت نظارتی، خلوتی و تاریکی، بی ثباتی و ناپایداری جمعیت، ازدحام و تراکم جمعیت، فرسودگی و آشفته گی فضا نیز از جمله دیگر ویژگی های این فضاها هستند. از جمله دیگر خصوصیات اصلی فضاهای بی دفاع، فقدان عنصر نظارت اجتماعی است (نیومن، ۱۹۹۶، ۱۴۸).

2-3. اثر بی دفاعی فضا بر حس ترس و ناامنی

فضاهای بی دفاع با توجه به ساختار فیزیکی شان نقشی مهم در ایجاد حس ترس و ناامنی دارند. ترس و ناامنی حاصل از فضاهای بی دفاع که در فضاهای شهری شکل می گیرند را می توان از طریق طراحی مناسب و کاربری موثر از فضا و محیط ساخته شده که به کاهش فرصت های مجرمانه، کاهش ترس و ناامنی و بهبود کیفیت زندگی منجر می شود، کاهش داد. در واقع با طراحی مناسب، بهینه سازی فرصت های نظارت، تعریفی مشخص و واضح از محیط و ایجاد تصویری مثبت از محیط شکل می گیرد که حس ترس و ناامنی را کاهش می دهد (یوسفی و جوهری، ۲۰۱۵، ۱۴۱).

در ارتباط با حس ترس و ناامنی که همان ترس از خشونت و ارتکاب جرم است، تعدادی از نظریات موجود به طور مجزا بر نقش ویژگی های فیزیکی فضاها در بروز خشونت و حس ترس تاکید دارند و در مقابل تعدادی نیز بر بعد اجتماعی تاکید دارند. همچنین نظریاتی نیز در بین این دو طیف قرار داشته و بر هر دو بعد فیزیکی و اجتماعی فضاهای بی دفاع و گمشده در بروز احتمالی خشونت و ترس از آن تاکید دارند.

از جمله نظریه پردازان که بر هر دو بعد تاکید دارند، نیومن است که «فضاهای قابل دفاع» را مطرح کرده است. به عقیده وی، ویژگی های فیزیکی و اجتماعی طراحی با ایجاد ادراک در ناظر، به واسطه این ارزیابی که محیط در برابر جرم دفاع شده است، در کاهش جرم موثر واقع می شود. به نظر وی آنچه در فضای ناآشنای مناطق کلانشهری بدان نیاز است، فضای قابل دفاع با تراکمی متوسط است؛ جایی که ساکنان، محل را در دست دارند، کنترل می کنند و از رفتار جنایی پیشگیری می کنند (نیومن، ۱۹۹۶، ۵۹).

جین جیکوبز نیز بیان می کند که فضاهای شهری به گونه های متفاوت، سهم متفاوتی در ایجاد حس ترس و ناامنی دارند. جیکوبز در کتاب مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی (۱۹۶۱)، سه مشخصه لازم برای ایجاد شهری امن را این گونه توصیف کرده است:

۱ - تعیین حدود واضح فضای عمومی و خصوصی؛

۲ - تنوع کاربری و اختلاط آن ها در سطح شهر؛

۳ - سطح بالایی از کاربری پیاده در پیاده روها (جیکوبز، ۱۳۹۲، ۷۶).

به طور خلاصه، با توجه به آنچه که این مطالعه مد نظر دارد و با توجه به آنچه که در مبانی نظری به آن ها اشاره شد، می توان مجموعه ای از نشانه های فیزیکی که مولد بروز فضاهای بی دفاع و گمشده شهری و شکل گیری خشونت شهری هستند را به شرح زیر فهرست کرد و در محدوده ی مورد مطالعه مورد بررسی قرار داد:

- مکان های مناسب برای اختفای مجرمین
- خلوتی و تاریکی
- محاط بودن و نبود فرصت نظارتی
- بی نظمی و فرسودگی
- مکان های بدون متولی
- نبود امکان فرار
- عدم رویت پذیری
- بی ثباتی و ناپایداری جمعیت
- ازدحام و تراکم جمعی

3-3. فضاهای قابل دفاع

فضاهای قابل دفاع مفهوم فضای شهری امن در مقابل مفهوم فضای شهری ناامن قرار دارد. پدیده ناامنی دارای دو جنبه عینی و ذهنی است و کلیه عرصه های زندگی را در بر می گیرد. مقوله ناامنی از جنبه عینی، کلیه مظاهر ناامنی از جمله سرقت، قتل خشونت و ... را شامل می شود و از جنبه ذهنی شامل، شامل داوری در خصوص امنیت منطقه و فضا است. ناامنی، پدیده ای همانند فقر است و می توان گفت که فقر مقدمه دیگر پدیده های آسیب شناختی از جمله ناامنی، خشونت شهری و غیره است (صالحی، ۲۰۰۹، ۱۰۷)

معیارهای فضای شهری امن به نوعی استراتژی محیطی را شامل می شوند. این استراتژی ها سه حوزه را در بر می گیرند:

- آگاهی از محیط به این معناست که ساختار فضایی و شبکه دسترسی محل قابل ادراک باشد و این در بر گیرنده قابلیت دیدن و درک اهمیت آنچه پیش رو و آنچه پشت سر می گذارد، است تا بدین طریق از موقعیت های خطرناک جلوگیری شود.
- وضوح از دید دیگران بدان معناست که یک شخص به سبب رابطه ساختمان ها با فضا احساس انزوا نکند. این موضوع در بر دارنده توانایی به چشم آمدن است.
- دسترسی به کمک معنای آن است که شخص بتواند از دیگران کمک دریافت کند که شامل تهیه راه های مشخص علامت دار برای کمک مثل درب های خروج اضطراری، زنگ های خطر، تلفن ها و قابلیت فرار، گفتگو یا دسترسی به کمک به هنگام خطر و ... (جعفری، ۲۰۱۵، ۸۲).

فضاهای دنج و امن برای رفتارهای انحرافی در نظر گرفته می شوند: فضاهای رها شده اطراف ساختمان های بلند، کنج های رها شده، پارکینگ و زمین هایی که در حاشیه ی راه ها وجود دارند و به ندرت مورد استفاده قرار می گیرند (دریاباری و دیگران، ۲۰۱۶، ۳۲۸).

4. فضاهای گمشده شهری

راجر ترانسیک در کتاب خود با عنوان فضاهای گمشده به مسئله فضاهای بی استفاده یا فضاهایی که استفاده ی کافی از آن ها به عمل نمی آید، توجه می کند. از نظر او فضاهای شهری بی استفاده، فضاهایی هستند که هیچ گونه اثر مثبتی در محیط اطراف

استفاده کنندگان ندارند و فضاهایی هستند که به طور ضعیفی تعریف شده اند، مرز و محدوده‌ی قابل اندازه‌گیری ندارند و میان عناصر شهر پیوستگی ایجاد نمی‌کنند و هیچ کس به حفظ آن‌ها اهمیت نمی‌دهد و به ندرت استفاده می‌شوند (ترانسیک، ۱۹۸۶، ۱۱۸).



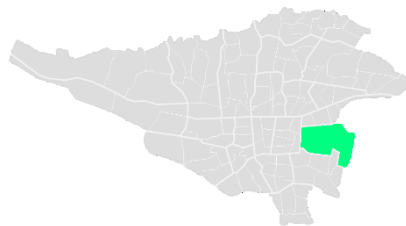
تصویر ۱. فضاهای گمشده شهری

<http://www.modot.org/stlouis/links/DivergingDiamondInterchange.htm>

در قسمتی از کتاب فضاهای گمشده به این صورت تعریف شده است که "فضاهای گمشده پسمانده‌های سامان‌دهی نشده چشم اندازه‌های شهری هستند. آن‌ها در مناطق رشد آسمان خراش‌ها یا مراکز خرید جا افتاده یا غیرقابل استفاده و دور از سیل فعالیت عابران در شهر هستند. آن‌ها اغلب ارتباط بین مراکز تجاری و مناطق مسکونی را قطع می‌کنند. آن‌ها زمین‌های غیر مسکونی در امتداد آزادراه‌ها هستند که هیچ گونه توجهی نسبت به نگهداری و استفاده بیشتر و مناسب تر از آن‌ها نمی‌شود" (ترانسیک، ۱۹۸۶، ۱۱۸).

ارتباط سلسله مراتبی بین فضای بی‌دفاع و گمشده را این‌گونه می‌توان تصویر کرد که فضاهای گمشده در زیر مجموعه فضاهای بی‌دفاع قرار دارند؛ از این بابت که فضاهای بی‌دفاع علاوه بر فقدان امنیت و مسایل مرتبط با آن، مشکل عدم توجه عابرین پیاده و ساکنین در بافت را نیز دارند. اما در باب مسئله فضاهای گمشده نظارت بر فضا وجود دارد، لیکن فضا به شکل مطلوب مورد توجه قرار نمی‌گیرد.

5. قلمرو جغرافیایی پژوهش



تصویر ۲. جایگاه منطقه ۱۴ در شهر تهران

<http://region14.tehran.ir/Default.aspx?tabid=544#2389812--->

محل چهارصد دستگاه در محدوده منطقه ۱۴ بر اساس حد شرقی خط محدوده قانونی در طرح ساماندهی (جامع) ۱۳۷۰ مساحتی برابر با ۲۲۰۳ هکتار را دارا است. این محدوده از دو بخش متمایز تشکیل یافته است. محدوده غرب بزرگراه افسریه با مساحت ۱۴۵۷ هکتار در قالب نواحی پنجگانه شهرداری تحت مدیریت فعال شهرداری منطقه است و از شمال به خیابان پیروزی، از غرب به خیابان ۱۷ شهریور، از جنوب به خیابان‌های خاوران و ۴۵ متری آهنگ محدود است. (حداد، ۱۳۹۷، ۵)



تصویر ۳. محدوده محل چهارصد دستگاه در منطقه ۱۴

<http://region14.tehran.ir/Default.aspx?tabid=544#2389812--->

۶. روش تحقیق

مطالعات میدانی در این تحقیق شامل دو بخش روش مشاهده میدانی و تحلیل منظر شهری است. در مشاهده میدانی محقق شخصا با حضور در محدوده مورد نظر اقدام به جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز مطابق با آخرین تغییرات در سایت می‌کند. سپس با توجه به اطلاعات شخصی خود و دیدگاه کارشناسانه اطلاعات دریافتی از مطالعات میدانی و همچنین اسناد دولتی را تحلیل می‌کند. لازم به ذکر است که مشاهدات میدانی در فصول سرد و گرم سال و در ساعات مختلف شبانه‌روز به انجام رسید. به گونه‌ای که راسته خط عبوری بزرگراه در هر موعود مورد بررسی دقیق قرار گرفت و عمق بافت نیز بیشتر در مواقع روشنی هوا بازدید شد. همچنین محدوده بلافاصل طراحی نیز یکبار در فصل بهار و در طول روز مورد بازبینی قرار گرفت. در مشاهدات میدانی مواردی همچون تعاملات اجتماعی و کیفیت‌های کالبدی در نظر گرفته شد. در ضمن منظر شهری نیز در این تحقیق توسط محقق مورد بررسی قرار گرفت که به دو دلیل بررسی بخش مربوط به منظر از اولویت‌های اصلی تحقیق خارج شد: دلیل اول ابرناسانی بودن فضا است که با توجه به عبور معبر عظیمی با ابعاد حدوداً ۵۰ متر از میانه بافت مقیاس انسانی فضا از بین رفته است. دلیل دوم فقدان ایمنی مورد نیاز در حاشیه خط عبوری بزرگراه است، به گونه‌ای که همواره دغدغه و اضطراب بروز تصادف برای عابرین پیاده وجود دارد. لذا توجه به منظر شهری از درجه اهمیت کمتری نسبت به دیگر فضاهای عمومی برخوردار است.

۷. ادراک شهروندان

پیش از مصاحبه با ساکنین بافت، این انتظار می‌رفت که دغدغه اصلی مردم بیشتر در مورد مسایل امنیتی در محل باشد. اما پس از مصاحبه، نتیجه به شکل دیگری درآمد. اغلب مردم در مورد مسایل امنیتی احساس رضایت نسبی داشتند و شرایط

امنیتی محله را مثبت ارزیابی می کردند. البته باید به این نکته هم توجه داشت که عمده جرایم رخ داده در سطح محله بر اساس گزارش سازمان های قضایی و انتظامی مربوط به توزیع و جابجایی مواد مخدر است.

ذکر این نکته ضروری است که عمده ترس مردم محله از بابت جابجایی مواد و بعضا خفت گیری در داخل بافت محله است. به گونه ای که بیشترین آمار رد و بدل مواد مخدر مربوط به محدوده میدان چهارصد دستگاه و بافت اطراف است. این میزان جابجایی به ترتیب در بخش های غربی و جنوب غربی کمتر می شود. نکته جالب توجه آن است که با وجود وقوع چنین جرمی در سطح محله مردم ساکن از وضعیت امنیتی رضایت نسبی عمده خواسته ها و گلایه های مردم محل، بیشتر به مسایل کالبدی و انفصال پیوستگی بافت بر اثر عبور بزرگراه از داخل محله باز می گردد، جایی که دیگر برای جابجایی سکنه و حتی افرادی که صرفا قصد عبور از محله را دارند مشکلات عدیده ای پیش می آید و انگیزه افراد محلی را برای عزیمت به آن طرف بزرگراه کم رنگ می کند. در این جا علاوه بر گسیختگی بافت، شاهد یک نوع برهم خوردن انسجام اجتماعی نیز هستیم.

مصاحبه با ساکنین به شکل مصاحبه باز و در غالب پرسش هایی در باب مسایل امنیت در محله، دسترسی ما بین بخش شرقی و غربی بافت و همچنین انسجام کالبدی بافت انجام شد.

پرسش های مطروحه در مصاحبه بدین شرح است:

- ۱) وضعیت امنیت محله را چگونه ارزیابی می کنید؟
- ۲) امنیت محله قبل و بعد از احداث بزرگراه چه تغییری کرده است؟
- ۳) دسترسی ما بین بخش شرقی و غربی محله به چه شکل است؟
- ۴) عبور بزرگراه از میانه بافت بر زندگی آن ها چه تاثیری گذاشته است؟

8. یافته ها و بحث و تحلیل

در مجموع در محدوده محله چهارصد دستگاه، با ۷۵ نفر مصاحبه شد. دلیل این تعداد مصاحبه کننده برای آن بود که رویکرد اقتناعی در مصاحبه ها اتخاذ شد، به گونه ای که پس از گفت و گو با ۷۵ نفر تقریبا پاسخ ها به شکل یکسانی دریافت می شد و دیگر نیازی به ادامه کار نبود. از مجموع ۷۵ نفری که در این تحقیق مورد سوال قرار گرفتند ۴۶ نفر مرد (۶۱.۳۳ درصد) و ۲۹ نفر (۳۸.۷) را زنان تشکیل داده اند. شرکت کنندگان در تحقیق به سه گروه سنی ۱۵_۳۵، ۳۶_۵۵ و ۵۶_۷۵ سال و بالاتر از آن تقسیم بندی شدند که از این تعداد ۲۲ نفر در گروه سنی ۱۵_۳۵ سال قرار داشتند (۲۹.۳ درصد). ۳۲ نفر از افراد در سنین ۳۶_۵۵ قرار داشتند (۴۲.۷ درصد) و ۲۱ نفر در سنین ۵۶_۷۵ سال و به بالا مورد پرسش قرار گرفتند (۲۸ درصد). هم چنین نسبت جنسیتی زن و مرد در مصاحبه شوندگان تا حد امکان به طور مساوی رعایت شد. میانگین سنی مصاحبه شوندگان نیز بین ۱۵ تا ۷۵ سال بود که در این میان از صحبت ها و گفته های مردم، چهار مورد به عنوان دغدغه های اصلی مردم استخراج شد:

- ۱) ارتباط و دسترسی در بافت: برهم خوردن شبکه دسترسی سابق محله، اکنون دسترسی را برای ساکنان دشوار کرده است، به گونه ای که ارتباط بین بخش شرقی و غربی با اختلال رو به رو شده است.

۲. گسیختگی کالبدی در بافت: بعد از احداث بزرگراه امام علی (ع)، انسجام کالبدی در محله به شکل قابل ملاحظه‌ای از بین رفت و اکنون بعد از گذری کوتاه در محدوده هسته اصلی شکل‌گیری محله (میدان چهارصد دستگاه) و خیابان منتهی به آن، ناگهان انسجام کالبدی از بین رفته و عنصر بزرگراه خودنمایی می‌کند.

۳. فقدان ایمنی ما بین بخش‌های شرقی و غربی بافت: یکی از دغدغه‌های مردم ساکن محله، نبود ایمنی کافی ما بین دو بخش شرقی و غربی است، به شکلی که محل عبور خودروها (با سرعت نسبتاً بالا) با محل عبور عابرین پیاده آمیخته است.

۴. نبود انگیزه کافی برای تامین معاش در داخل بافت محله: به علت دشوار بودن عبور و مرور ساکنین بین دو بخش شرقی و غربی و همچنین فقدان ایمنی، انگیزه ساکنین جهت تامین معاش در داخل بافت محله کاهش یافته و بیشتر تمایل به رفع نیاز از محله‌های اطراف مد نظر است.

در میان مصاحبه شونده‌ها تقریباً ۹۰ درصد به ارتباط و دسترسی در بافت به عنوان دغدغه اصلی خود اشاره کردند، نزدیک به ۷۷ درصد گسیختگی کالبدی در بافت را مد نظر قرار دادند. همچنین نیمی از مصاحبه شونده‌گان به فقدان ایمنی و نبود انگیزه کافی برای تامین معاش در داخل بافت محله اشاره کرد.

از جمله مسائلی که در مشاهدات عینی سایت می‌توان بدان‌ها اشاره کرد ابرسانی بودن فضا است. بزرگراه امام علی (ع) با عرض تقریبی ۶۰ متر (هشت باند تندرو، دو باند بی آر تی و دو باند کندرو) در میان بافت محله چهارصد دستگاه محیطی کاملاً ابرسانی را به وجود آورده است. لذا انتظار می‌رود که رفته رفته فضاهای حاشیه بزرگراه خود به خود از نظر مردم (ساکنین بافت و عابرین پیاده) محو گردد و صرفاً جنبه عبوری پیدا کند.

۹. جمع‌بندی

در این تحقیق در ابتدا به پیشینه و سابقه موضوع و چالش‌های نظری و عملی متخصصین در بررسی مشکلات فضاهای بی‌دفاع و گمشده اشاره شد. در این راستا مفهوم فضاهای بی‌دفاع در مقابل فضاهای قابل دفاع مطرح و تاثیرات بی‌دفاعی بر ایجاد حس ترس و ناامنی بررسی شد. سپس فضاهای گمشده و معیارهای تشخیص و شناسایی و مسایل مرتبط با آن‌ها مطرح شدند. همچنین اشاره شد که بین فضاهای بی‌دفاع و گمشده ارتباطی ماهوی وجود داشته و این دو گونه فضایی در شرایطی قابلیت تبدیل به یکدیگر را دارند. در ادامه مقوله ادراک ناامنی و ترس در این دسته از فضاهای شهری از دیدگاه شهروندان مطالعه شد، به گونه‌ای پس از انجام مصاحبه با آنان دغدغه‌های عمده شهروندان استخراج و در قالبی کیفی و توصیفی ارائه گردید. یافته جالب توجه این تحقیق آن است که علی‌رغم پیش‌بینی‌های برآمده از مبانی نظری و سابقه موضوع پژوهش که معمولاً مهم‌ترین و اصلی‌ترین مساله فضاهای گمشده را نامی آن‌ها برمی‌شمرند، ساکنین محله و رهگذران نسبت به وضعیت امنیتی فضاهای گمشده پیرامون بزرگراه امام علی (ع) در محدوده محله چهارصد دستگاه نارضایتی چندانی نداشتند و دغدغه آنان بیشتر عدم مطلوبیت محیطی این فضاها و اتفاقات داخل محله بود. از این رو در تحقیق آتی سعی بر آن است که ضمن انجام مصاحبه‌هایی در مقیاس گسترده‌تر، نقاط حساس و ناامن از نظر مردم شناسایی و جغرافیای ترس و ناامنی محله به صورتی مکان مبدا مورد بحث و تحلیل قرار گیرد.

مراجع

[1]- Carmona, Matthew and Tiesdell, Steve, (2007), "Urban Design Reader", first Edition, Elsevier Ltd, Oxford, UK.

[2]- نوید حداد، ۱۳۹۷، بازطراحی فضاهای بی‌دفاع و گمشده ناشی از عبور بزرگراهها از محلات شهری (نمونه موردی: محله چهارصد دستگاه)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.

[۳]- احمدی، حبیب، ۱۳۷۷، نظریه‌های انحرافات اجتماعی، شیراز: انتشارات زر.

[۴]- Winton, Ailsa. (2004). Urban violence: a guide to the literature Environment and Urbanization.

[۵]- Yousefi, A., & Johari, L. (2015). Defenseless spaces in the city and a sense of fear; phenomenology of experience passing the underpass bridges in Mashhad, Journal of Geography and Environmental hazards, 3 (11), 129 - 143. (In Persian)

[۶]- White, rob. And Sutton, Adam. (1995). Crime prevention, urban space and social exclusion. Department of criminology. University of Melbourne.

[7]- Gholich, A., & Amari, M. (2013). Introduction on the Urban Defenseless Spaces, Tehran, Nisa Publisher (In Persian).

[8]- Newman, O., 1996, creating defensible space. US department of housing and urban development.

[9]- بحرینی، سیدحسین، ۱۳۸۶، معنی و سازگاری طراحی شهری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

[10]- جیکوبز، جین، ۱۳۹۲، مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی، ترجمه‌ی حمیدرضا پارسی و آرزو افلاطونی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

[11]- Salehi, E. (2009). Environmental characteristics of safe urban spaces. Publications of Center of Research and Study of Urban Planning and Architecture. (In Persian).

[12]- Jaafari, M. A., (2015). Survey and analysis of urban defenseless areas in Kabul District 3, (M.A thesis). Univrsity of Tehran, College of Geography. (In Persian).

[13]- Daryabari, J., Bayat, A., Ismailzaei, N., & Tajik, M. (2016). Urban Defenseless Spaces. Threatening Factor to the Urban Sustainable Development, MARTINIA, 5 (2) 323-332

[14]- Trancik, R., 1986, finding lost space, New York: Van nostrand reinhold.

[15]- Rahmat, M. R. (2011). *Crime prevention through architecture and urbanity*, second edition, Tehran, Mizan. (In Persian)

[16]- <http://www.modot.org/stlouis/links/DivergingDiamondInterchange.htm>

[17]- <http://region14.tehran.ir/Default.aspx?tabid=544#2389812--->